

رازشانه‌ها

درس سوم

املا و واژه‌آموزی

۱ کلمه‌های زیر را به ترتیب حروف الفبا بنویسید.

هوش - فهم - دست نخورده - قهوه‌خانه - جاده - آفرین

آفرین - جاده - دست نخورده - فهم - قهوه‌خانه - هوش

۲ قسمتی از درس را که به گفت و گوی «حاکم و پسر» مربوط است، بنویسید.

حاکم گفت: پسر جان! اگر تو الاغ را ندیده‌ای، چطور نشانی‌هایش را دادی؟ پسر گفت: من فقط خوب نگاه کردم و به آنچه دیدم، کمی اندیشیدم. سر راهم رد پای الاغی را دیدم که جای پای راستش کمتر از جای پای چپش گود افتاده بود. فهمیدم پای راست الاغی که از اینجا گذشته لنگ بوده است. علف‌های سمت راست جاده خورده شده بود؛ اما علف‌های طرف چپ دست نخورده مانده بود. از اینجا فهمیدم که الاغ علف‌های سمت چپ را ندیده است. به همین دلیل حدس زدم چشم چپش کور بوده است. از دانه‌های گندمی هم که روی زمین ریخته بود، فهمیدم بارش گندم بوده است.

۳ با توجه به معنای جمله‌ها، کلمه‌ی مناسب را انتخاب کنید.

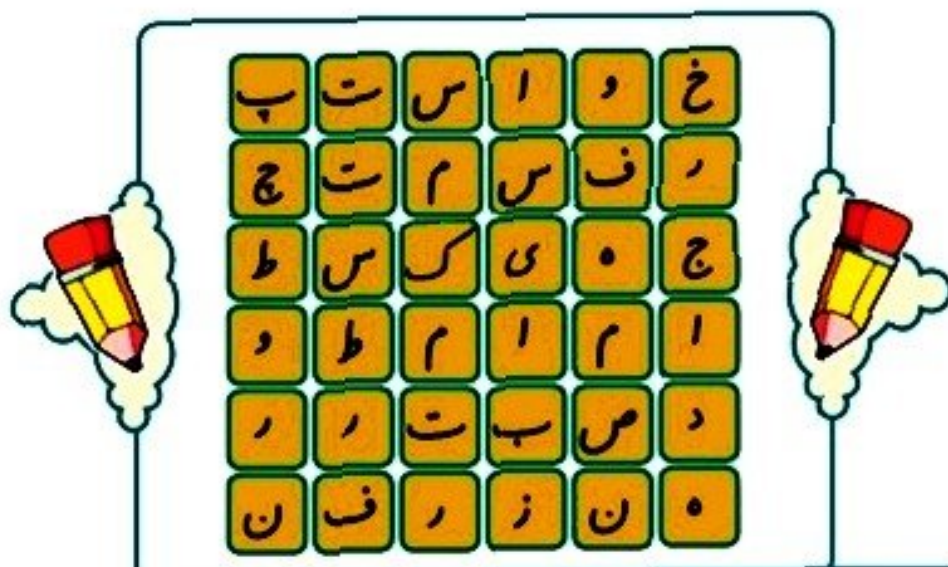
وقتی که جوجه‌ها از تخم بیرون می‌آیند، پدر و مادر به آنها ... غذا ... می‌دهند. (قضا - غذا)

دانش‌آموزان در ... حیاط ... مدرسه مشغول ورزش بودند. (حیات - حیاط)

پایه و ... اساس ... همه‌ی گفت‌وگوها، توانایی علمی دانش‌آموزان است. (اثاث - اساس)



۱ در جدول زیر، کلمه‌های درس آمده است. پنج کلمه از آنها را پیدا کنید و با هر یک جمله‌ای بسازید.



خواست - جاده - آسیاب - طرف - چطور - سمت

خواست

معلم از من خواست تا کتاب علوم را برایش بیاورم

جاده

در جاده‌ها از لامپ‌هایی استفاده می‌شود که با انرژی خورشید کار می‌کنند.

آسیاب

من دیروز یک آسیاب آبی را از نزدیک دیدم.

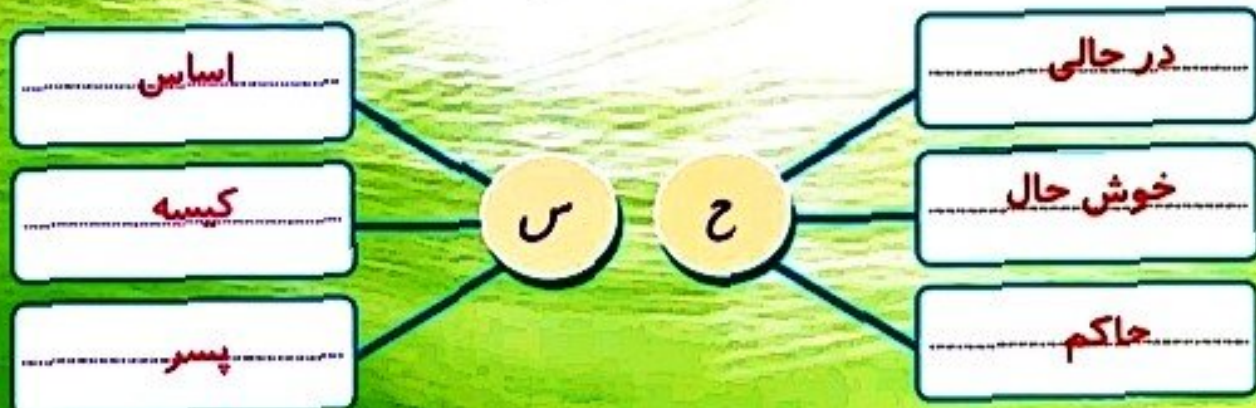
طرف

در طرف چپ من یک دیوار از جنس سنگ مرمر قرار دارد.

چطور

در کتاب علوم امسال من یاد گرفتم که چطور یک آسیاب بادی بسازم.

۲ با توجه به متن برای هر یک از حروف داخل شکل، کلمه بنویسید.



۱ از روی سرمشق زیر، خوش خط و زیبا بنویسید.

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

به نام خداوند جهان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

۲ خانه‌های جدول را به دلخواه با کلماتی از متن درس پر کنید.

کلمه‌ی سوم	کلمه‌ی دوم	کلمه‌ی اول	
آسیاب	الاغ	گندم	ردیف اول
لنگ	پا	جاده	ردیف دوم
خوش حال	نشانی	پسر	ردیف سوم

حالا با کلمات هر ردیف یک جمله بسازید؛ به طوری که هر سه کلمه در آن جمله به کار رفته باشد.

الاغ با کمک مرد کیسه گندم را به آسیاب می‌برد.	جمله‌ی اول
یک مرد با پای لنگ در جاده راه می‌رفت.	جمله‌ی دوم
پسر با خوش حالی نشانی خانه دوستش را به حاکم داد.	جمله‌ی سوم